



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

Homepage: <http://jclld.liau.ac.ir>

Vol.2, No.3, Issue 6, autumn 2023, P: 85-100

Receive Date: 2023/07/11**Revise Date:** 2023/08/26**Accept Date:** 2023/09/10**Article type:** Original Research**Online ISSN:** 2821-2339**DOI:** 10.30495/jclld.2023.1992355.1075

Pathological Inquiry of Criminology on the Social Impacts of Undesirable Ruling Infractions with a look at Islamic Doctrines

Sayyed Mohammadreza Mousavifard¹

Abstract

Today, violations of political ruling and government in general due to the spread of mass media have a negative impact on the unity of the members of society, which first of all, must be resolved. Although, this inquiry approach, surveys to answer this question with interdisciplinary studies between management science, social pathology and political and criminal psychology with a documented method will continue the social effects of identifying pathological approaches of undesirable ruling based on Islamic doctrines. By virtue of interdisciplinary studies can divide disorders into two categories: First a systematic disorder that can be resolved with a kind of pathology. In the next step, sometimes this disorder appears at the levels of the behaviors and grand policies of the leaders and political rulers, which should be used to explain their personality by the doctrines of criminal and political psychology, and the result of all this process is crystallized in ruling and desirability and lack thereof. The results and findings show that: first, individual and structural pathology in the form of sociology of organizations and institutions can be resulted in the realization of great ruling. Second, the expansion of the psychological studies of managers in ruling, can lead to the emergence of the right decision-making in the realization of desirable ruling. Third, the practice of some elements of desirable ruling that are confirmed by the holy law can also be the practice of religious duty in order to achieve desirable modern religious ruling.

keywords: elements of desirable ruling, pathology of ruling, ruling violations, criminal psychology of ruling, criminal policy of ruling.

¹. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran. mousavifard136394@gmail.com



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزا

سال دوم - شماره ۳ - شماره پیاپی ۷ - پاییز ۱۴۰۲، ص ۱۰۰-۸۵	Homepage: http://jcl.d.liau.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۶/۰۴
نوع مقاله: پژوهشی	شاپا الکترونیکی: ۲۸۲۱-۲۳۳۹
DOI: 10.30495/jcl.d.2023.1992355.1075	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

جستاری آسیب شناسانه جرم شناختی بر تأثیرات اجتماعی تخلفات حکمرانی نامطلوب با نگاهی به آموزه‌های اسلامی

سید محمد رضا موسوی فرد^۱

چکیده

امروزه، تخلفات حکمرانی سیاسی و در کل حاکمیت، با توجه به گسترش رسانه‌های جمعی، تأثیرات سوئی بر آحاد افراد جامعه دارد که باید قبل از هر چیز برای آن، چاره‌جویی گردد. فی حال، این رویکرد تحقیقاتی، به دنبال این مسأله است که با مطالعات میان رشته‌ای میان علوم مدیریت، آسیب شناسی اجتماعی و روانشناسی سیاسی و جنایی با روش اسنادی، به این سؤال پاسخ داده شود که علی‌الاصول، شناسایی رویکردهای آسیب‌شناسانه حاکمیت نامطلوب براساس آموزه‌های اسلامی چه تأثیرات اجتماعی به دنبال دارد. با استناد به مطالعات میان رشته‌ای می‌توان اختلالات را به دو دسته تقسیم کرد: در ابتداء، اختلال سیستمی، که با نوعی آسیب‌شناسی می‌توان آن را برطرف کرد؛ در مرحله بعدی، برخی از مواقع، این اختلال، در سطوح رفتارها و سیاست‌های کلان رهبران و حکمرانان سیاسی بروز و ظهور می‌کند که باید از آموزه‌های روانشناسی سیاسی و جنایی برای توضیح شخصیت آنان، مدد جست که نتیجه‌ی تمام این فرآیند، در حکمرانی و مطلوبیت و عدم آن، متبلور می‌گردد. نتایج و یافته‌ها نشان می‌دهد: اولاً، آسیب‌شناسی ساختاری و فردی در قالب جامعه‌شناسی سازمان‌ها و نهادها می‌تواند علاوه بر پیشگیری، به تحقق حکمرانی خوب منجر گردد؛ ثانیاً، گسترش مطالعات روانشناختی مدیران، در حکمرانی می‌تواند باعث بروز و ظهور تصمیم‌سازی درست در تحقق حکمرانی مطلوب شود؛ ثالثاً، همچنین، عمل به برخی مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب، که مورد تأیید شرع مقدس است، می‌تواند عمل به تکلیف دینی، در راستای تحقق حکمرانی مطلوب مدرن دینی باشد.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب، آسیب‌شناسی حکمرانی، تخلفات حکمرانی، روانشناسی جنایی حکمرانی، سیاست جنایی حکمرانی.

^۱استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.. mousavifard136394@gmail.com

حکمرانی خوب یا حکمرانی مطلوب، در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه محققان علوم اجتماعی بوده است. در برخی از متون، حکمرانی خوب (Good Governance) به معنی دولت خوب (Good Government) نیز تعریف شده است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجربه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهیم می‌باشند. میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی)^۱ صورت گیرد؛ البته، نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه است.

پس، در نتیجه چنین رویکردی در نوع خود می‌تواند نوعی پویایی اجتماعی را برای جامعه به دنبال داشته باشد، ولی آنچه محرز و مسلم است، اگر این پروسه حکمرانی خوب باشد تبعات اجتماعی مثبتی به عنوان یک کلیت بزرگ بورکراتیک در جامعه به دنبال خواهد داشت ولی اگر چنین اتفاقی رخ ندهد، عملاً، تبعات منفی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را برای جامعه قطعاً به دنبال خواهد داشت. اینجا است که باید اگر این سیستم خوب کار نکرد، به دنبال نوعی آسیب شناسی از آن بود؛ البته، برخی از مواقع نیز به جایی می‌رسد که یکسری از اختلالات در حکمرانی به منزله یک بروکراسی نتیجه رفتارهای خاص اشخاص سیاسی که می‌تواند به عنوان آسیب از آن یاد کرد اینجاست که باید از روانشناسی سیاسی و جنایی برای توضیحات این وضعیت مدد جو است.

این رویکرد تحقیقاتی به دنبال این مسأله هست که با مطالعات میان رشته‌ای^۲ میان علوم مدیریت، آسیب شناسی اجتماعی و روانشناسی سیاسی و جنایی با روش اسنادی و نگاهی توصیفی تحلیلی، بدین سؤال، پاسخ دهد که علی‌الاصول، شناسایی رویکردهای آسیب شناسانه حاکمیت نا مطلوب براساس آموزه‌های اسلامی چه تأثیرات اجتماعی به دنبال دارد؟

در پاسخ به نظر می‌رسد که با مطالعات میان رشته‌ای^۳ می‌توان اختلالات را به دو دسته تقسیم کرد اولاً، اختلال سیستمی که با نوعی آسیب شناسی^۴ می‌توان آن را بر طرف کرد. ثانیاً، برخی از مواقع این اختلال در سطوح رفتارها و سیاست‌های کلان رهبران و حکمرانان سیاسی بروز و ظهور می‌کند که باید از

۱. Legal Entities

۲. هدف از آن به حوزه‌های نوین در دانش دارد که بیش از یک زمینه محض دانشی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. روش برخورد میان‌رشته‌ای فرصت عبور از مرزهای سنتی رشته‌های گوناگون را با هدف رسیدن به نتیجه مطلوب در یک رشته فراهم می‌سازد.

۳. Interdisciplinary Studies

۴. Pathology

آموزه‌های روانشناسی سیاسی و جنایی^۱ برای توضیح شخصیت آنها مدد جست، نتیجه تمام این فرآیند در حکمرانی و مطلوبیت و عدم آن متبلور می‌گردد.

مهمترین مبانی نظری که می‌توان برای مقاله حاضر تعریف کرد به نظر می‌رسد می‌توان از نظریه بوروکراسی مارکس وبر نام برد؛ چرا که دولت و حکمرانی به عنوان یک نهاد سازمانمند از قبل تعریف شده به دنبال این است که در نتیجه زندگی اجتماعی و مدرن آنرا برای شهروندان تسهیل کند. اگر این سیستم بروکراسی به هر دلیلی از جمله تخلف مدیران و حکمرانی نامطلوب رو به رو شود، قطعاً با توجه به رسالتی که برای آن تعریف شده است نمی‌تواند انتظارات را بر آورده کند.

نظریه بوروکراتیک تأکید می‌کند که سازمان‌ها سیستم‌های رسمی و منطقی با قوانین و رویه‌های کاملاً تعریف شده هستند که توسط تخصص، سلسله مراتب، کارکنان آموزش دیده، تعهد مدیریتی و بی طرفی مدیریت تعریف می‌شوند. نوع ایده آل بوروکراسی وبر در کتاب اقتصاد و جامعه که در سال ۱۹۲۱ منتشر شد، توضیح داده شد.

وبر معتقد بود بوروکراسی‌ها کارآمدترین راه برای سازماندهی سازمان‌های بزرگ است و نتیجه عقلانی شدن و غیرشخصی سازی اجتناب ناپذیر جامعه است. بوروکراسی، همانطور که وبر تعریف می‌کند، یک ساختار سازمانی است که با قوانین، فرآیندها، رویه‌ها و الزامات استاندارد شده و همچنین تقسیم کار واضح و دقیق، سلسله مراتب روشن و تعاملات حرفه‌ای و تقریباً غیرشخصی بین کارکنان مشخص می‌شود^۲ (Nickerson, 2023, 40-53).

تحقیقات، ثابت کرده است در سیستم‌های بروکراتیک خصوصی با دولتی کارمندان آن به مراتب از تعهد بالاتری برخوردارند (Suzuki and others, 2019, 877)؛ هرچند که امروزه در میان رویکردهایی که این نظریه داشته است به نظر برخی از اندیشمندان نتوانسته‌اند مسائلی را حل کنند نتیجتاً باید براساس رویکردهای آن باید چهارچوب‌ها و ایده‌های تازه‌ای در قالب مدل‌های جدید به دست بیاید (Meier, 2009, 39).

۱. حکمرانی بد از منظر علم آسیب شناسی

مفهوم آسیب شناسی برگرفته از طب قدیم است، جایی که به آموزه انواع و علل بیماری اشاره دارد. به عقیده جالینوس، امر آسیب شناختی، چیزی است که از روند طبیعی طبیعت، منحرف می‌شود. گفتمان در مورد آسیب شناسی‌های اجتماعی، به نوبه خود، از انتقال استعاری این مفهوم پزشکی به جوامع نشأت می‌گیرد که با آنها به گونه‌ای رفتار می‌شود که گویی ارگانسیم‌هایی هستند که می‌توانند بیمار یا سالم باشند.

^۱. Political and Criminal Psychology

^۲. برخی از نویسندگان نقش ماکس وبر به عنوان بنیانگذار مطالعه مدیریت مورد مناقشه می‌دانند (Kettl, 2021, 111).

خوانش هابرماس از فروید، در دانش و منافع انسانی، برای درک آسیب‌شناسی در آثار او به عنوان یک کل تعیین کننده است. از نظر فروید، آسیب‌شناسی مبتنی فرآیندهای ناخودآگاه است (Hartmann, 2019, 73).

اگر خواسته شود که آسیب‌های یک حکمرانی بد دانسته شود، باید به سراغ بوروکراسی رفت. عملکرد یک بوروکراسی بد نشان می‌دهد که بوروکراسی پر از مشکلات است. آسیب‌شناسی که همیشه از خارج از بدنه بوروکراسی به وجود نمی‌آید، بلکه آسیب‌شناسی است که شکوفا شده است و زمانی که بوروکراسی ناسالم باشد، تأثیر خواهد گذاشت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اگر خواسته شود که بوروکراسی کار را به درستی انجام دهد، باید از آسیب‌شناسی بوروکراسی جلوگیری کرد، یکی از راه‌هایی که می‌توان انجام داد انجام یک نوآوری بوروکراتیک است (نوآوری در ساختار، سیستم‌ها، فرهنگ). نوآوری بوروکراسی نه تنها تغییراتی را در سازمان ایجاد می‌کند تا از آسیب‌شناسی بوروکراسی جلوگیری کند، بلکه به عنوان یک مؤلفه برای انجام یک سیاست دولت‌ها است (Pathol, 2002, 177).

امروزه، علم آسیب‌شناسی در حوزه اجتماعی می‌توان یکی از شاخه‌های مطالعاتی خود را به صورت خاص بر روی مسأله حکمرانی بد و تخلفات آن گسترش دهد؛ چرا که اگر مطالعات دقیق علمی در این خصوص صورت گیرد، به راحتی قابل اثبات است که این امر چه هزینه‌های زیانباری در تمامی ابعاد برای جامعه بشری به دنبال دارد؛ هرچند که این امر، به علت ماهیت انسان و طبیعت مبتلا به است و هیچ وقت به صفر نمی‌رسد، ولی می‌توان با آسیب‌شناسی آن تا حدودی آن را مدیریت کرد؛ نتایج مطالعات نشان دهنده این امر است که حکمرانی ضعیف یک تهدید بزرگ برای توسعه پایدار است (Eufemia and others, 2020, 7214).

از نظر مخالف آموزه‌های آسیب‌شناسی، اگر به مقوله حکمرانی بد و نقش آن در توسعه در تمامی ابعاد آن پرداخته شود، باید گفت: شاخص‌های پایداری به عنوان ابزاری کارآمد جهت کمک به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران برای تصمیم‌گیری بهتر و فعالیت‌های موثرتر توسعه پایدار است (زمانی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۸۱).

حکمرانی بد ناظر بر نحوه اعمال قدرت و حاکمیت نارواست که بر مبنای شاخص‌های مهمی همچون: عدم حاکمیت قانون، عدم پاسخگویی، عدم شفافیت در تصمیم‌گیری‌ها و کنش‌ها، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم نظارت قاعده‌مند و مستمر، نظارت‌پذیری، عدم تبعیض، فساد و عدم تعهد عمومی به اخلاق مدنی تعریف می‌شود (سردار نیا، ۱۳۹۵، ۲۰۵)؛ پس، مؤلفه‌های حکمرانی بد دقیقاً نقطه مقابل حکمرانی خوب است که می‌تواند به عنوان نقاط قوت در نحوه حکمرانی بدان اشاره مطلوب داشت.

۲. تخلفات حکمرانان سیاسی از منظر روانشناسی سیاسی و جنایی

روانشناسی سیاسی یک رشته دانشگاهی بین رشته‌ای است که به درک سیاست، سیاستمداران و رفتار سیاسی از دیدگاه روان‌شناختی و فرآیندهای روان‌شناختی با استفاده از دیدگاه‌های سیاسی اجتماعی اختصاص دارد (Hart and other, 2018, 143). رابطه بین سیاست و روانشناسی دو طرفه در نظر گرفته می‌شود، با روانشناسی به عنوان عدسی برای درک سیاست و سیاست به عنوان لنزی برای درک روانشناسی استفاده می‌شود. روانشناسی سیاسی، دانشی بین رشته‌ای که از طیف وسیعی از رشته‌ها وام گرفته است. هدف روانشناسی سیاسی درک روابط متقابل بین افراد و زمینه‌هایی است که تحت تأثیر باورها، انگیزه، ادراک، شناخت، پردازش اطلاعات، راهبردهای یادگیری، اجتماعی شدن و شکل‌گیری نگرش است. نظریه و رویکردهای روانشناختی سیاسی در زمینه‌های بسیاری از جمله: نقش رهبری، سیاست‌گذاری داخلی و خارجی، رفتار در خشونت قومی، جنگ و نسل‌کشی، پویایی و تعارض گروه، رفتار نژادپرستانه، افراط‌گرایی سیاسی است (Cottam and others, 2010, 100).

از نظر تاریخی باید گفت: هدلی کانتریل و آل. ای فری، مؤسسه تحقیقات اجتماعی بین‌المللی را با هدف تمرکز بر بررسی تغییرات روانشناختی تأسیس کردند که بر رفتار سیاسی تأثیر می‌گذارد، به شیوه‌هایی که تأثیر قابل توجهی بر روابط بین‌المللی دارد. آن‌ها دولت‌ها و چرایی رفتار آنها از نظر متغیرهای روانشناختی در مورد مسائل بین‌المللی را بررسی کردند (Free, 1958, 184).

اگر خواسته شود از منظر آموزه‌های روانشناسی جنایی، رفتارهای تخلف‌وار و جرایم و جنایات حکومت‌های نوع دیکتاتوری، مورد بحث و بررسی قرار گیرد، باید گفت: آیا اساساً، رویکردها و مدل‌های کنونی روانشناسی جنایی که پیامدهای جامعه‌شناختی را نیز به دنبال دارد، با در نظر گرفتن ظرفیت روان‌شناسی سیاسی، توانایی تحلیل و شناخت شخصیت و رفتار دیکتاتورها را دارد یا خیر؟

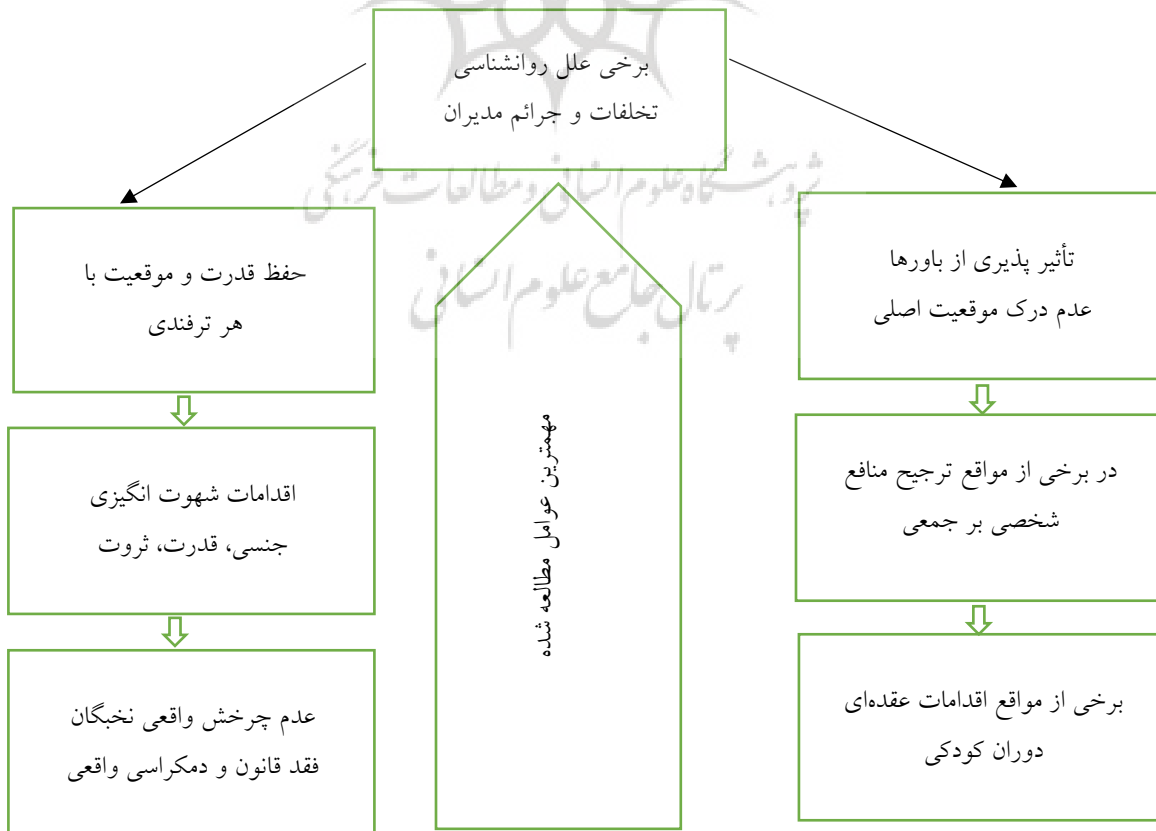
به نظر می‌رسد با توجه به ظرفیت‌های اختلالات تیپ‌هشت ایناگرام، برخی خصوصیات روان‌پریشی و برون‌گرایی در نظریه آیزنک، ظرفیت علمی شناخت چنین بستری را دارد. نتایج حاکی از آن است که تبعاتی همچون وجود زندانیان مخالف سیاسی از طریق جنگ‌طلبی، خشونت بالا در سطح داخلی برای کنترل شورش‌های احتمالی، حلقه نزدیکان محدود که اغلب فاسد هستند، وجود رفتارهای تکانشی و بی‌پروا، دروغ‌گفتن، ابزاری برای رسیدن به مزایا و منفعت شخصی و... از کمترین تبعات جرم‌شناختی این اختلالات روانی است (موسوی فرد و دیگران، ۱۴۰۰، ۱).

برای از بین بردن تخلفات مدیران در تمامی سطوح می‌توان پیشنهاد کرد ایجاد رابطه محکم و در عین حال قانونی بین تخلفات قانونی و جرم‌انگاری (جرم‌انگاری بیشتر تخلفات اداری) آن از منظر حقوق کیفری تا حدودی می‌تواند نرخ فساد را کاهش دهد (موسوی فرد و دیگران، ۱۴۰۰، ۱۳۱).

روانشناسان تبهکاری را به مسائل شخصیتی و مسئله سازگاری یا عدم سازگاری فرد با هنجارهای اجتماعی منسوب می‌کنند. پیروان روانشناسی مکتب فروید بر این بار بودند که روان به طور اعم بر شخصیت به طور اخص دارای دو جنبه نا خود آگاه و خود آگاه است. تجربه‌های کودکی به ویژه ارتباط کودک با مادر نقش اساسی در رشد شخصیت فرد ایفا، می‌کند طبق این دیدگاه رفتار جرم در دروان انسان جای دارد و چنین رفتاری بیماری و ناسازه گاری ایجاد می‌کند، فروید مجرم را فردی می‌بیند که خود ناقص و معیوب دارد. طبق نظر او خود از سه جنبه نهاد، من، فرامن تشکیل شده است: نهاد، شامل تمایلات و احساسات ناخود آگاه است.

اما فرامن معتقد است وجدان و خواسته‌های مورد پسند جامعه است که در اثر آموزش و تربیت در فرد بوجود می‌آید. حد وسط این دو من قرار دارد قسمت آگاه و منطقی فرد که بین نهاد و من برتر از یک طرف و از طرف دیگر با دنیایی واقعیت در ارتباط است و بین آنها تعادل برقرار می‌کند.

از دیدگاه فروید جرم در نتیجه یک من ضعیف که تحت کنترل نهاد در آمده و باعث احساس گناه در فرد شده بوجود می‌آید. الگوی طبیعی در هر احساس گناه یا ناراحتی افراد را از انجام خلاف باز می‌دارد. این الگو، در دوران کودکی، وقتی نیازهای درونی و تکانهای خاص، به ویژه انگیزه جنسی و پرخاشگری رشد می‌کند، شکل می‌گیرد. به طور خلاصه روانشناسان پیرو مکتب فروید رفتار جنائی و مجرمانه را پاسخ به قسمتی از شخصیت می‌دانند که سرکوب شده است. به نظر می‌توان این تخلفات مدیران سیاسی را در قالب نمودار ذیل چنین ترسیم کرد:



۳. تخلفات حکمرانی سیاسی نتیجه ریل گذاری اشتباه (عدم شایسته سالاری)

شاید یکی از مهمترین دلایلی که می‌توان برای تخلفات مدیران مورد بحث بررسی قرار داد، عدم چرخش واقعی نخبگان در نتیجه مصلحت‌گرایی‌های تهی و ریل‌گذاری‌های اشتباه است که باعث می‌شود تخلفات حکمرانان سیاسی بیشتر در جامعه نمود پیدا کند.

نخبه‌گرایی، این باور یا تصور است که افرادی که نخبگان را تشکیل می‌دهند، گروهی منتخب از مردم که دارای کیفیت ذاتی، هوش بالا، ثروت، قدرت، شهرت، مهارت‌های خاص یا تجربه هستند، احتمال بیشتری دارد که برای جامعه سازنده باشند؛ بنابراین، سزاوار نفوذ یا اقتدار بیشتر از دیگران است.

نویسندگانی مانند ویلفردو پارتو، گائتانو موسکا و رابرت میشلز در مواجهه با تغییرات عمیق در چشم‌انداز سیاسی به دلیل گسترش تدریجی حق رأی در دموکراسی‌های غربی، بر ماهیت الیگارشی اجتناب‌ناپذیر هر نوع سازمان جمعی، از جمله احزاب توده‌ای مدرن پافشاری کردند. این نویسندگان در حالی که اصرار داشتند که سیاست همیشه یک جنگ قدرت در درون نخبگان حاکم است، تحلیل خود را بر پیامدهای سیاسی ناخواسته رفتار غیر منطقی یا غیر کاملاً عقلانی، متمرکز کردند، به ویژه با ایجاد تمایز بین لفاظی مشروعیت و حقیقت، انگیزه‌هایی که به نوبه خود منعکس‌کننده تمایز اجتماعی مهمتر و اساسی بین طبقه حاکم و حاکم یا بین نخبگان و غیرنخبگان، از نظر پارتو بودند (Campos, 2022, 1).

اگر خواسته شود با توجه به مطالعات علمی صورت پذیرفته به عرصه واکاوی رفتارهای سیاسی در حوزه نخبه‌گرایی با رویکردی تاریخی با نگاه به داخل نظری ارائه داده شود، باید گفت: شناخت رفتارهای سیاسی طغرل بیک سلجوقی، یکی از نخبگان و کارگزاران تغییر و تحول و بنیانگذار سلسله سلجوقیان، از یک سو، تبیین‌کننده بخشی از تاریخ ایران است و از سوی دیگر نقش موثری در روابط ایران و ترکمنستان خواهد داشت.

بر اساس این ضرورت و در راستای شناخت بهتر رفتارهای سیاسی طغرل بیک، سؤال زیر مطرح گردید: رفتارهای سیاسی طغرل بیک، به عنوان یک نخبه، کارگزار و سیاستمدار چگونه قابل ارزیابی است؟ به عبارت دیگر، رفتارهای سیاسی طغرل بیک از جهت مثبت و یا منفی بودن مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌گیرد. به نظر نگارنده، رفتارهای سیاسی طغرل بیک گرفتار قضاوت وارونه شده است. در حالی که درباره رفتارهای سیاسی وی، اجماعی در منابع دیده نمی‌شود ولی با بررسی زمینه‌ها و شرایط روی کار آمدن وی و تحلیل کدها و یافته‌ها از منابع موثق، رفتارهای سیاسی طغرل در تحلیل نهایی و با توجه به تحلیل بر اساس رویکرد نخبه‌گرایی در چهارچوب رفتارهای مثبت قابل ارزیابی است (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۲، ۱۲۱).

آسیب‌هایی از منظر آسیب‌شناسی عواملی چون اسطوره سازی افراطی،^۱ تأکید افراطی بر ارزش‌های بومی، غرب ستیزی بی دلیل، انتظار ظهور منجی عدم عمل‌گرایی، بسیج سیاسی و... در هدف‌های خاص از جمله آسیب‌ها می‌تواند تلقی گردد (سپهرنیا و دیگران، ۱۴۰۱، ۲۹).

۴. تخلفات حکمرانی سیاسی تأثیرات آن بر اعتماد عمومی

اعتماد یک عامل حیاتی و ضروری برای موفقیت‌های فردی، سازمانی و اجتماعی است و به مثابه منبع اصلی تولید قدرت نرم و مؤثر در ضریب نفوذ قدرت سخت ارزیابی می‌شود. اعتماد باعث افزایش نظم، ثبات و قابلیت پیش‌بینی شده و ساز و کار است که موجب حفظ یکپارچگی و وحدت روابط اجتماعی در سیستم‌ها می‌شود. با افول اعتماد عمومی، مشارکت عموم مردم در فرایندهای سیاسی کاهش خواهد یافت. اگر عامه مردم به نهادهای دولتی و افراد منتخب و منصوب دولتی اعتماد نداشته باشند، در اجرای تصمیمات دشوار، خصوصاً مواردی که مستلزم ایثار و فداکاری است همکاری نخواهند کرد. کاهش اعتماد شهروندان به دولت و نهادهای دولتی از بحران‌های جهان امروز است.

یکی از اساسی‌ترین چالش‌های فراروی مدیریت دولتی چگونگی حفظ و ارتقاء اعتماد عمومی نسبت به سازمان‌های دولتی است (جابر انصاری و دیگران، ۱۳۹۵، ۸).

اینجا می‌توان به نقش شیوه‌های حکمرانی خوب بر اعتماد عمومی به عنوان نقطه مقابل اشاره کرد. نتیجتاً، می‌توان گفت: اصل شفافیت، یکی از رویکردهای اصلی دولت‌ها برای جلب اعتماد عمومی دارای نقش اساسی و راهبردی است (Kaur and other, 2022, 337).

برای مثال عینی می‌توان گفت: بر اساس بررسی فشارسنج آسیا در سال‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۴ و ۲۰۰۶، عملکرد دولت، توانمند سازی شهروندان و رضایت شهروندان از ارزش‌های ابراز وجود با اعتماد عمومی به دولت در ژاپن و کره جنوبی مرتبط است.

این مطالعه، نشان می‌دهد که عملکرد دولت در اقتصاد، کنترل فساد سیاسی، کیفیت خدمات عمومی، جرم و جنایت و توجه به ورودی شهروندان به طور قابل توجهی با اعتماد گسترده عمومی به دولت در ژاپن و کره جنوبی مرتبط است.

به همین ترتیب، رضایت شهروندان از حق خود برای تجمع و تظاهرات و انتقاد از دولت ارتباط نزدیکی با اعتماد به دولت‌های مرکزی و محلی در ژاپن دارد. در کره جنوبی، رضایت شهروندان از حق خود برای تجمع و تظاهرات ارتباط نزدیکی با اعتماد به دولت محلی دارد. پیامدهای رهبری دولت برای افزایش عملکرد، شفافیت، مشارکت شهروندان و اعتماد عمومی به دولت در این مطالعه روشنگرانه تحلیل و تشریح شده است (kim, 2010, 801).

^۱. Extreme Mythmaking

در تحقیقات علمی رابطه بین این امر، یعنی: تخلفات حکمرانی و اعتماد عمومی به اثبات رسیده است. یافته‌ها نشان می‌دهند سطح اعتماد از کارایی حکومت و سطح فساد تأثیر می‌گیرد. همچنین تأثیر سطح فساد در جامعه بر اعتماد به نهادهای فرهنگی بیشتر از اعتماد به نهادهای حکومتی و اجتماعی و بر اعتماد اجتماعی بیشتر از اعتماد به نهادهای حکومتی است (فاضلی و دیگران، ۱۳۹۷، ۱۹۱).

به نظر نگارنده، باتوجه به تحقیقات علمی که در داخل و خارج از مرزهای جغرافیای سیاسی شکل گرفته است که به گوشه کوچکی از آنها در خصوص موضوع حاضر اشاره شد، رابطه اعتماد عمومی با عملکرد مدیران سیاسی و اجرایی در حاکمیت‌ها یک رابطه مستقیم در عین حال غیر قابل انکار است؛ در نتیجه، اگر تخلفات در حکمرانی باشد با توجه انعکاس آن در رسانه‌های اجتماعی دیداری و شنیداری میزان اعتماد به حاکمیت کاملاً کاهش معناداری خواهد داشت.

۵. نافرمانی اجتماعی و سیاسی در نتیجه تخلفات حکمرانی سیاسی

نافرمانی مدنی، عبارت است از امتناع فعال و اعلامی یک شهروند از اطاعت از برخی قوانین، خواسته‌ها، دستورات یا دستورات یک دولت یا هر مقام دیگری. بر اساس برخی تعاریف، نافرمانی مدنی باید غیرخشونت آمیز باشد تا مدنی خوانده شود؛ از این رو، نافرمانی مدنی گاهی با اعتراضات مسالمت آمیز یا مقاومت غیرخشونت آمیز برابر می‌شود (Morreall, 1976, 35).

البته، گاه به اقدامات خشونت آمیز و اقدامات جدی علیه امنیت عمومی نیز تبدیل می‌گردد. بسیاری از اندیشمندان غربی همانند: کنراد گربل و آناپاپتیست‌ها از نافرمانی مدنی، برابر ظلم دولت حمایت کردند (Adolf, 2013, 117).

در خصوص تاریخچه تئوریک این امر، در منابع آمده است: در سال ۱۸۴۸، ثورو در لیسه کنکورده، سخنرانی‌هایی با عنوان: حقوق و وظایف فرد در رابطه با دولت، ارائه کرد. این اساس مقاله او را تشکیل داد

که برای اولین بار تحت عنوان: مقاومت برابر حکومت مدنی، توسط الیزابت پیبادی ارائه شد (Thoreau, 1849, 189).

در خصوص پیشینه این اقدامات در نظام غربی پیرو نظریه حاضر باید گفت: در دهه ۱۸۵۰، طیفی از گروه‌های اقلیت، در ایالات متحده: آمریکایی‌های آفریقایی تبار، یهودیان، بپتیست‌های روز هفتم، کاتولیک‌ها، مخالفان ممنوعیت، برابری خواهان نژادی و دیگران نافرمانی مدنی را برای مبارزه با طیفی از اقدامات قانونی و اقدامات عمومی به کار گرفتند. آن‌ها تبعیض قومی، مذهبی و نژادی را ترویج می‌کردند. مقاومت عمومی و معمولاً مسالمت آمیز در برابر قدرت سیاسی تاکتیکی جدایی ناپذیر در سیاست مدرن حقوق اقلیت‌های آمریکایی باقی مانده است (Volk, 2014, 100).

توجیه اخلاقی نافرمانی مدنی در جایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که قوانینی که یک کنشگر نقض می‌کند قوانین یک دولت مشروع است. به طور سنتی، تصور می‌شود که یک دولت قانونی از یک ادعای قابل توجیه اخلاقی برای اقتدار بر رعایای خود برخوردار است و آنها نیز به نوبه خود وظیفه دارند از قوانین دولت صرفاً به این دلیل که قانون دولت خود هستند، اطاعت کنند. در حدود معین، این امر حتی در مواردی که قانون با آنچه عدالت واقعاً ایجاب می‌کند در تعارض است، صادق است.

بنابر این، یک ارزیابی اخلاقی کامل از عمل نافرمانی مدنی، باید آن را از منظر رابطه آن با مشروعیت سیاسی و همچنین رابطه آن با تحقق عدالت ماهوی ارزیابی کند، یا حداقل در صورتی که برخی از دولت‌های مدرن شرایط لازم برای توجیه ادعای مشروعیت خود را همان طور که به طور سنتی درک می‌شود، داشته باشند.

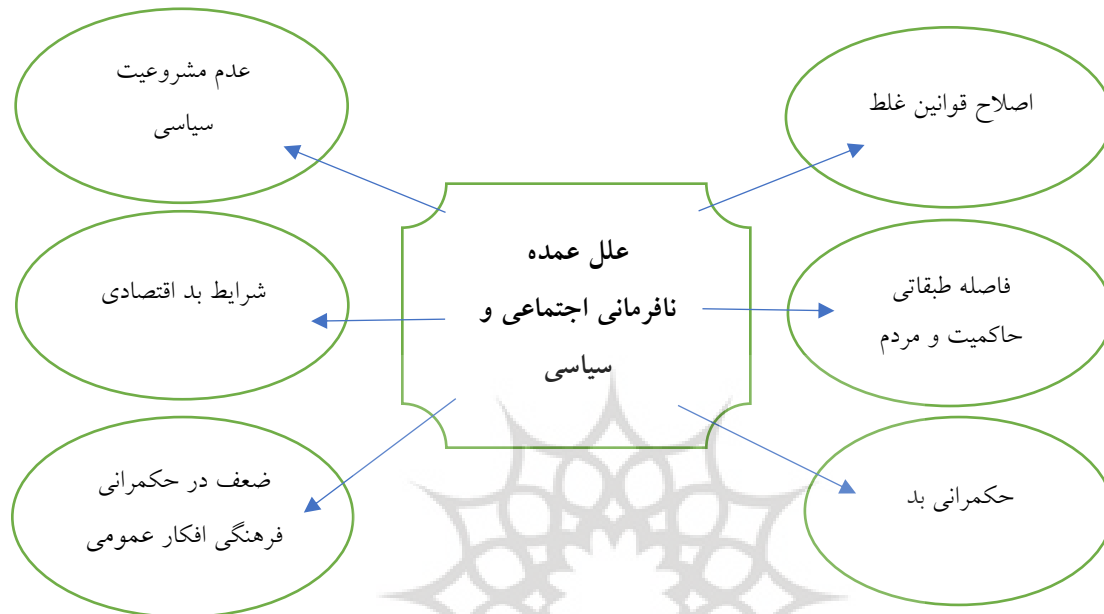
تعداد قابل توجهی از نظریه پردازان سیاسی و حقوقی، که از اغلب آنها به آنارشیست‌های فلسفی یاد می‌شود، هیچ دولت مدرنی، ادعای کلی و از نظر اخلاقی موجه در مورد اطاعت رعایا ندارد. در عوض، آنارشیست‌های فلسفی ادعا می‌کنند که مجاز بودن اخلاقی زیر پا گذاشتن قانون یا ناکام گذاشتن تلاش‌های دولت برای حکومت باید مورد به مورد ارزیابی شود. با این حال، حتی برای آنارشیست‌های فلسفی یا برای کسانی که در یک دولت نامشروع زندگی می‌کنند، مقوله نافرمانی مدنی از قانون ممکن است همچنان از نظر اخلاقی برجسته باشد، اگر برای مثال، معلوم شود که اعمال نافرمانی مدنی تمایل به توجیه اخلاقی بسیار بیشتری دارد (Lefkowitz, 2012, 543).

نافرمانی مدنی نقض عمدی قانون برای اهداف اجتماعی است. هدف، معمولاً شامل ایجاد تغییراتی در قوانین یا سیاست‌های دولت است. فیلسوف آمریکایی جان رالز نافرمانی مدنی را اینگونه تعریف می‌کند: عملی علنی، غیر خشونت آمیز، وجدانی و در عین حال سیاسی، خلاف قانون که معمولاً با هدف ایجاد تغییر در قانون یا سیاست‌های دولت انجام می‌شود.

تحقیقات علمی به نوعی ثابت کرده است رویکردهای نافرمانی اجتماعی و سیاسی به عنوان یک فرآیند اعتراضی در نتیجه رویکردهای غلط حکمرانی است؛ هرچند در برخی از موارد گروه‌های فشار و ذی‌نفع نیز به نظر نگارنده، چنین فضایی را برای اهداف خود در اثبات ناکارآمدی حاکمیت موجود غبار آلود می‌کنند؛ به نظر می‌رسد که مردم جهان در دوران جدیدی از اعتراضات و ناآرامی‌های سیاسی زندگی می‌کنند. در سال‌های اخیر، گسترش و تشدید اقدامات سیاسی اپوزیسیون توسط گروه‌هایی مشاهده می‌شود که نابرابری اقتصادی، پلیس نژاد پرستانه، اجرای قانون مهاجرت، ریاضت اقتصادی، جنگ، تغییرات آب و هوایی، الیگارش‌های مالی، خصوصی‌سازی و تسلط شرکت‌ها بر فضای سایبری را به چالش می‌کشند.

روش‌های آشنای اعتراض با رویکردهای جدید متناسب با ویژگی تاریخی خاص این موضوعات و استفاده از فناوری‌های دیجیتال جدید برای بسیج سریع، در مقیاس بزرگ و اشکال جدید فعالیت آنلاین،

دگرگون و تکمیل شده‌اند. این افزایش فعالیت‌ها، بحث‌های عمومی مجددی را در مورد ابزارهایی که افراد و گروه‌ها برای تعقیب اهداف خود فراتر از حوزه فعالیت‌های سیاسی معمولی، مانند: رأی‌گیری، لابی‌گری نمایندگان، فعالیت‌های حزبی و بحث عمومی از طریق رسانه‌ها در اختیار دارند، برانگیخت (Guy Aitchison, 2018, 12) می‌توان این امر را در قالب نمودار چنین ترسیم کرد.



۶. حکمرانی سیاسی خوب از منظر آموزه‌های فقهی و اسلامی

حکمرانی در فقه اسلامی، یک دیدگاه اسلامی است که بر اصول و قواعدی مبتنی است. بر اساس ادله نقلی و عقلی و نیز منشورات کلامی و فقهی، مشروعیت شرعی حاکمیت چندان دور از ذهن نیست؛ زیرا حاکمیت بالاطلاق و الاصله، حق خالق و مالک و رب هستی است و بر این پایه حاکمیت باید مأذون از او باشد و به اراده او در امور تصرف شود. مأخوذ از این مبانی، به لحاظ ثبوتی و مطابق مبانی، قانون‌گذار اساسی باید قائل به مشروعیت یکپارچه شود (غریب پور و دیگران، ۱۴۰۲، ۶۱).

با در نظر گرفتن تنوع فقهی در برخورد با این مسأله، باید گفت: در نظم سیاسی ملت دولت، این دولت است که ظرف تحقق اراده ملت محسوب می‌شود. هر ملتی ارزش‌ها و همچنین اهداف و آرمان‌هایی دارد که تلاش می‌کند مسیر تحقق این ارزش‌ها و همچنین این آرمان‌ها را در پیکره قانون پیش‌بینی کند. از طرف دیگر، اجرای قانون نیازمند وجود قدرت و توانایی اعمال قدرت است؛ هرچند باید توجه داشت که قدرت باید به نفع مردم و به نفع ارزش‌ها توسط قانون رام شود و در مسیر صحیح قرار بگیرد.

حکمرانی، مفهومی چند وجهی، پیچیده و نسبی است و تاکنون ده‌ها تعریف برای آن ارائه شده است. ارائه یک تعریف قطعی ممکن نیست؛ در یک تعریف ساده و اولیه، به اعمال حساب شده قدرت و هم‌افزایی بازیگران مختلف با محوریت حکومت برای پیاده‌سازی قانون از طریق شکل‌گیری زنجیره‌ای از

سیاست‌ها، راهبردها، قواعد، فرایندها، روش‌ها، ابزارها، نهادها، سیستم‌ها و برنامه‌ها حکمرانی گفته می‌شود. در تعریفی که بیان شد سیاست‌گذاری جزو زنجیره حکمرانی است. حکمرانی اسلامی از جهت مبانی و حتی شاکله حتماً با سایر حکمرانی‌ها متفاوت است هرچند که اشتراکاتی هم دارد.

هر نوع حکمرانی خاستگاه تئوریک دارد. البته از قرن نوزدهم و با غلبه رویکردهای پراگماتیستی، مبنایگرایی در سیاست و به تبع آن در حکمرانی به شدت کم‌رنگ شد.

از منظر پراگماتیسم، هیچ چیزی مهم‌تر از سودمندی عملی یک نظریه یا دیدگاه برای زندگی نیست به طوری که حتی باید معیار حقیقت را هم در سودمندی، فایده و نتیجه جستجو کرد نه انطباق با واقعیت عینی. وقتی انطباق یک دیدگاه با واقعیت عینی، یعنی: سنت پوزیتیویسم بی‌ارزش تلقی می‌شود، به‌طریق اولی انطباق با حقایق فلسفی یا دینی هم بی‌ارزش قلمداد می‌شود. این موضوع در رویکردهای پست مدرن پررنگ‌تر است. از یک سو، ضروری دانستن مبنا و از سوی دیگر تفاوت مبانی، حکمرانی اسلامی را از حکمرانی مثلاً سکولار متمایز می‌کند. وقتی می‌توان نظریه جامعی در باب سیاست اسلامی و همچنین حکومت دینی داشت، و زمانی که می‌توان علوم انسانی اسلامی داشت، به طریق اولی می‌توان حکمرانی اسلامی هم داشت.

حکمرانی اسلامی از آن جهت که یک حکمرانی عقلانی است، حتماً با حکمرانی‌های بشری یا عرفی اشتراکاتی دارد، اما اصولاً حکمرانی اسلامی در یک اتمسفر خاص و منحصر به فرد متولد می‌شود که برخی از اصول حکمرانی عرفی، مانند همین حکمرانی خوب در آن غریب هستند و یا اگر از الفاظ مشترک هم استفاده می‌کنند، در معنا متفاوت هستند.

حق باوری، آخرت‌گرایی، اخلاق‌مداری، عدالت‌محوری، جامعه‌گرایی، تکاثرستیزی، و اصولی از این قبیل که با اصول برآمده از غرب مدرن مغایرت جدی دارند. فقط یک مورد منشعب از این اصول، حذف قانون ربا در حکمرانی اسلامی است که بسیاری از مناسبات حکمرانی را تغییر می‌دهد و شرایط نویی را در حکمرانی اقتصادی به وجود می‌آورد (عابدی درچه و دیگران، ۱۴۰۱، ۲۳۳).

نتیجه‌گیری

بر اساس مبانی باید گفت: نظریه بوروکراتیک تأکید می‌کند که سازمان‌ها سیستم‌های رسمی و منطقی با قوانین و رویه‌های کاملاً تعریف شده هستند که توسط تخصص، سلسله‌مراتب، کارکنان آموزش دیده، تعهد مدیریتی و بی‌طرفی مدیریت تعریف می‌شوند. نظریه بروکراسی، به دنبال این است که در نتیجه زندگی اجتماعی و مدرن آن را برای شهروندان تسهیل کند. اگر این سیستم بروکراسی به هر دلیلی از جمله تخلف مدیران و حکمرانی نامطلوب رو به رو شود، قطعاً با توجه به رسالتی که برای آن تعریف شده است، نمی‌تواند انتظارات را بر آورده کند.

با مطالعات میان رشته‌ای می‌توان اختلالات را به دو دسته تقسیم کرد؛ اختلال سیستمی که با نوعی آسیب شناسی می‌توان آن را بر طرف کرد و اختلال در سطوح رفتارها و سیاست‌های کلان رهبران و حکمرانان سیاسی که باید از آموزه‌های روانشناسی سیاسی و جنایی برای توضیح شخصیت آنها مدد جست. برای مثال، اموری همچون حفظ قدرت و ثروت و دیگر اقدامات ناشی از آن، ترجیح منافع شخصی بر منافع عمومی، عدم شایسته‌سالاری در نتیجه ریل گذاری‌های اشتباه، مشکلات دوران کودکی مدیران، تخلفات مدیران در نتیجه کاهش اعتماد عمومی به حاکمیت سیاسی و بروز نافرمانی.

گسترش مطالعات علمی آسیب شناسانه در سازمانها و نهادهای حاکمیتی به منظور رویکردانه پیشگیرانه از تخلفات و جرائم به منظور دست یابی به حکمرانی مطلوب و گسترش مطالعات روانشناختی و سلامت روان در مدیران کلان، میانی و خرد، در میان مدت و بلند مدت می‌تواند نوعاً باعث کاهش آسیب‌های مدیریتی شخص محور گردد.

کتاب‌شناسی

۱. جابر انصاری، محمد رضا؛ نجف بیگی، رضا؛ الوانی، سید مهدی (۱۳۹۵)، راهکارهای ارتقاء اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، دوره ۶، شماره: ۲.
۲. زمانی، لیلا؛ جواهریان، زهرا (۱۳۹۴)، کنکاشی بر روند تحولات شاخص‌های پایداری در نظام بین‌المللی، علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۷ (۴).
۳. سپهرنیا، روزیتا؛ جلالی راد، محمد صادق؛ آرش، مجید (۱۴۰۱)، تبیین شاخص‌های قدرت نرم در فرهنگ سیاسی ایران از دیدگاه نخبگان، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، ۱۲ (۴).
۴. سردار نیا، خلیل‌الله (۱۳۹۵)، حکمرانی در ایران، آسیب‌شناسی و ارائه راهبردها، فصلنامه علمی راهبرد توسعه، ۴۹ (۱۳).
۵. عابدی درچه، محسن؛ زارعی، بهادر؛ احمدی، سید عباس؛ پیشگاهی فرد، زهرا (۱۴۰۱). تبیین مقایسه‌ای دو رویکرد حکمرانی متعالی اسلامی و حکمرانی خوب، فصلنامه علمی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱۱ (۳).
۶. غریب پور، منصور؛ جوکار، سید مهدی؛ شریعتی، مجتبی (۱۴۰۲)، تحلیل فقهی حقوقی جریان حکمرانی شرعی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دانش حقوق عمومی، ۱۲ (۴۰).
۷. فاضلی، محمد؛ جلیلی، محدثه (۱۳۹۷)، بررسی بین‌کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۹ (۲).
۸. لعل‌علیزاده، محمد (۱۳۹۲)، واکاوی رفتارهای سیاسی طغرل بیک سلجوقی براساس نظریه نخبه‌گرایی، پژوهش در تاریخ، ۴ (۲).
۹. موسوی فرد، سید محمد رضا؛ دودانگه، علیرضا (۱۴۰۰)، جستاری روانشناختی با تأثیرات جامعه‌شناختی بر رفتارشناسی رهبران دیکتاتور سیاسی با تأکید بر آموزه‌های علوم جنایی، فصلنامه علمی تخصصی سیاست پژوهی جهان اسلام، ۸ (۲۲).
۱۰. موسوی فرد، سید محمد رضا؛ شمسی زاد، زهرا (۱۴۰۰)، فساد و تخلفات اداری در ایران با تأکید بر آموزه‌های حقوق کیفری و جامعه‌شناسی جنایی، فصلنامه علمی آراء، ۴ (۸).

11. Lefkowitz, D (2012), Civil Disobedience: Encyclopedia of Applied Ethics (Second Edition).
12. John Morreall (1976), The justifiability of violent civil disobedience, Canadian Journal of Philosophy, 6 (1)
13. Adol, A. (2013), Peace: A World History, Polity Press.
14. Volk, Kyle G. (2014), Moral Minorities and the Making of American Democracy. New York: Oxford University Press
15. Galaski, Jascha (2022): DEMOCRACY & JUSTICE Civil Disobedience and Its Effects in Recent History Through 12 Examples: Published online
16. Thoreau, Esq, H.D. (1849). Resistance to Civil Government. Æsthetic Papers; Edited by Elizabeth P.Peabody. Boston and New York: The Editor and G.P. Putnam.
17. Guy Aitchison (2018), civil Disobedience: Dans Raisons politiques.
18. Taye Demissie Beshi & Ranvinderjit Kaur(2022): Public Trust in Local Government: Explaining the Role of Good Governance Practices: Public Organization Review·volume 20. February 2019.
19. Soonhee Kim (2010), Public Trust in Government in Japan and South Korea: Does the Rise of Critical Citizens Matter?:PAR.public administration review· Volume70· Issue5. September/October 2010.
20. Martin Hartmann (2019), Social Pathology: From the book The Habermas Handbook. Published by Columbia University Press.
21. Clin Pathol J, M Crook (2002), Clinical governance and pathology, 2002 Mar; 55(3). PMID: PMC1769600. Journal of Clinical Pathology.
22. Eufemia, Luca, Michelle Bonatti, Stefan Sieber, Barbara Schröter and Marcos A. Lana (2020), Mechanisms of Weak Governance in Grasslands and Wetlands of South America, Sustainability 12· no. 17.
23. Mols, Frank; t Hart· Paul (2018), Political Psychology, In Lowndes, Vivien; Mars, David; Stoker, Gerry (eds.). Theory and Methods in Political Science (4th ed). Basingstoke· England: Palgrave Macmillan.
24. Cottam· Martha L; Dietz-Uhler, Beth; Mastors, Elena; Preston, Thomas (2010), Introduction to Political Psychology (2nd ed). New York: Psychology Press.
25. Free, Lloyd A (1958), Polling Decision Makers: An Experiment in Political Psychology. Public Opinion Quarterly. 22 (2).
26. Giovanni Damelecorresponding author and Andre Santos Campos(2022): Introduction. Elite Theory: Philosophical Challenges: Topoi (Dordr); 41(1) Published online 2022 Feb 10.
27. Charlotte Nickerson (2023), Bureaucratic Management Theory Of Max Weber: Updated on May 12.
28. Kohei Suzuki &Hyunkang Hur (2019), Bureaucratic structures and organizational commitment: findings from a comparative study of 20 European countries: Public Management Review Volume 22· 2020 - Issue 6.
29. Kenneth J Meier (2019): Theoretical Frontiers in Representative Bureaucracy: New Directions for Research: Perspectives on Public Management and Governance, Volume 2, Issue 1, March.
30. Donald F Kettl(2021): Weberian Bureaucracy and Contemporary Governance: Perspectives on Public Management and Governance· Volume 5, Issue 2, June.



شپه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی